

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

راهکارهای پیشنهادی برای کاهش و خودداری از دستبرد علم در نظام آموزش عالی ایران

حمید جاودانی

دانشیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

فهرست مطالب

۱		سرآغاز
۲		مسئله شناسی دستبرد علم (سرقت علمی)
۲		گونه شناسی دستبرد علم
۲		گونه شناسی دستبرد علم در قلمرو پژوهش
۲		الف- دستبرد در انجام پژوهش و انتشار آن
۳		ب- دستبرد محتوایی در پژوهش
۳		پ- دستبرد آموزشی
۴		ت- دستبرد خدماتی
۴		آسیب شناسی دستبرد به علم
۵		پیشنهادهای کوتاه مدت
۶		پیشنهادهای میان و بلندمدت

سر آغاز

زیست آزموده‌های پیشین، انگیزه‌ای برای مشارکت در این‌گونه همکاری‌ها بر نمی‌انگیزاند. چرا که، نادیده انگاشتن و کمینه‌نگری به این‌گونه فعالیت‌ها، از یک سو، و کم اثربخش بودن آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا، و دریافت نکردن بازخورد به آن‌ها، از سوی دیگر، که ریشه در نظام پاداش‌دهی^۱ و در نتیجه کم اهمیت نشان دادن چنین فعالیت‌هایی می‌شود و آن‌ها تا مرز پاسخ‌های اداری و دیوان‌سالاری فرو می‌کاهد، افراد را از مشارکت پویا در این نظرخواهی باز می‌دارد:

اما، به رغم اندیشه جاری که بر «آزموده، آزمودن خطاست» پا می‌فشارد و تنها بر پایه انگیزه‌های علمی و ملی که به دغدغه شخصی بدل شده است، کوشش می‌شود، در بازه کوتاه چند ساعته در نظر گرفته که برای نظرخواهی درباره «تقلب علمی فراهم شده است و همچنین پاسخگویی به دعوت در مشارکت‌پذیری، که از جمله مهم‌ترین راهکارها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است، کوشش می‌شود با توجه به مطالعات انجام شده، برخی مهم‌ترین سرخط‌هایی که می‌تواند به وضعیت بسیار ناخوشایند کنونی سامانی دهد، بسان گام نخست، برای طرح در نشست یادشده، پیشنهاد می‌شود.

یادآوری می‌شود، وضعیت پدید آمده در نهادهای آموزش عالی کشور، که برخی از آن‌ها در دستبردهای علم، بازنمایی می‌کند، یکی از خطرناک‌ترین و غم‌انگیزترین آسیب‌هایی است که حتی می‌تواند، آینده و حتی امنیت کشور را به گونه‌ای جدی تهدید کند. به ویژه در عصر کنونی، که بشریت به نقش فزاینده دانش در سرنوشت خود، بیش از همیشه پی‌برده است. هرچند، به دلیل حاکمیت اندیشه نئولیبرال، و گستره فراگیر آن در جهان، به ویژه در جهان سوم، که در صدد برپا داشتن «سرمایه‌داری دانشگاهی» و شکل‌دهی به «دانشگاه بنگاهی یا» دانشگاه نسل سوم^۲ - که به فارسی به ناروا "دانشگاه کارآفرین" بر گردانده شده است،- این خطر، جنبه همگانی به خود گرفته است. ایران، در این میان، به دلیل سستی پایه‌های نهادهای تولید دانش و کژروی‌هایی که از اوان شکل‌گیری این دست‌نهادها، دنبال کرده است. به گونه‌ای که هم‌اکنون دستبرد در علم، خواسته یا ناخواسته، حتی در میان برترین دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به هنجاری پذیرفته شده و تقریباً همگانی بدل شده است، از جمله در خطرترین و آسیب‌پذیرترین کشورها به شمار می‌آید. چرا که به نظر می‌رسد، نه تنها تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، بلکه حتی بسیاری از دانشگاهیان، در دام این ادبیات پرزرق و برق و شیک در افتاده‌اند. به گونه‌ای که گاه پنداشته می‌شود، کارآمدسازی و اثربخشی دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی و پژوهشی تنها در گرو دگردیسی این نهادهای کم توان به "دانشگاه بنگاهی" (کارآفرین) و روی آوردن به «سرمایه‌داری دانشگاهی» است. رویکردی که نه تنها بر وضعیت ناگوار کنونی صحنه می‌گذارد، بلکه سبب گسترش و جایگزینی این رویه‌ها نیز می‌شود. بازشکافی این رویکرد و مفاهیم نیازمند مطالعات ژرف و پردامنه ایست که در فرصت این نگاشته نمی‌گنجد.

^۱- Rewarding System

مسئله شناسی دستبرد علم (سرقت علمی)^۲

تختستین پرسشی که در مسئله‌شناسی «دستبرد علم» به ذهن می‌آید، چیستایی آن است. زیر ممکن است، که گاه این مفهوم تنها تا مرز، کپی برداری از آثار دیگران و یا به نام خودساختن آثار دیگران فروکاسته شود. حال آن که، گستره این گونه دستبردها، در فرایندها و با سازوکارهای بسیار پیچیده‌ای انجام می‌شود که ممکن است حتی به چشم نیز نیاید. شاید به همین دلیل، پرداختن به آن، بسیار دیر هنگام انجام می‌شود. با چشم‌پوشی از آن که دیر هنگامی است که این پدیده زشت و ناخوشایند، در زوایای گوناگون زندگی دانشگاه ایرانی رسوخ کرده و آن را به هنجار بدل ساخته است، گاه به نظر می‌رسد، برخی از برترین دانشگاه‌ها و دانشگاهیان کشور، نه تنها از انجام آن احساس شرمندگی نمی‌کنند، بلکه با گنجاندن آن‌ها در پرونده به اصطلاح علمی خود، بدان می‌بالند. گاه تنها کافی است به کارنامه علمی برخی از آن‌ها نگاهی گذرا انداخت! آیا تنها شمار فراوان کلاس‌ها، پایان‌نامه، کتاب‌ها و مقاله‌ها، در کنار دیگر فعالیت‌های گوناگون آن‌ها، که حتی اگر تمامی شبانه روز به کار علمی بپردازند، تنها از نظر زمانی پاسخگوی آن نیست، سرقت به شمار نمی‌آید؟

گونه‌شناسی دستبرد علم

جستن راهکار برای رویارویی با «سرقت علم»، نخست نیازمند برشناسی کنش‌هایی است که در این مفهوم می‌گنجد. چرا که به نظر می‌رسد، آن چه به هنجارسازی، گاه شاید ناخواسته‌ی برخی از کژتابی‌ها، از جمله «سرقت علم» در نظام آموزش عالی ایران انجامیده است، ریشه در کژفهمی و یا ناآگاهی از کنش‌هایی است که می‌تواند، در این قلمرو بگنجد!

به نظر می‌رسد درک بهینه و دسته‌بندی کردن این گونه کژروی‌ها، نیازمند بازکاوی آن‌ها در چارچوب کارویژه‌های دانشگاهی و در پی آن وظایف سه‌گانه اعضای هیأت علمی، یعنی پژوهش، آموزش و خدمات اجتماعی است. خدماتی که در ارزیابی و نظام پاداش‌دهی و همچنین کارراه‌آنها نیز گنجانده شده است که بازتاب عینی و ملموس آن را می‌توان در آیین‌نامه‌هایی همچون آیین‌نامه ارتقا و ترفیع بازیافت. هر چند، نیاز است ریشه بسیاری از این کژتابی‌ها را در گسترش بی رویه آموزش عالی در دو دهه گذشته که بی توجه به امکان‌سنجی و توان دانشگاه‌ها و دانشگاهیان انجام شده است، جست.

گونه شناسی دستبرد علم در قلمرو پژوهش

روشن است که بازشناسی دقیق این گونه دستبردها نیازمند مطالعات ژرف و پردامنه جداگانه‌ای است. این گونه‌شناسی تنها بر پایه مشاهدات عینی (برگزاری کلاس‌ها، شرکت در شوراهای پژوهشی و جلسات دفاع رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها انجام شده است).

الف- دستبرد در انجام پژوهش و انتشار آن

- کوشش نابجا در گنجاندن نام خود در آثار دیگران که هیچ سهمی یا سهم اندکی در پیدایش آن داشته‌اند (برای نمونه: گنجاندن نام خود در مقاله‌ها و یا دیگر نگاشته‌های دانشجویان و دیگران با استفاده از جایگاه خود)؛

^۲ - همان گونه که برخی از پژوهشگران خاطرنشان ساخته‌اند، واژه «سرقت علمی» مفهوم مناسبی برای دستبرد در علم به شمار نمی‌آید.

^۳ - Diagnosis

^۴ - Carrier

- انجام پژوهش، نگارش، ترجمه کتاب، با نام خود از سوی دیگران (دانشجویان، نهادهای تجاری و ...)
- استفاده از جایگاه خود برای بدست آوردن امتیاز انجام طرح پژوهشی یا نگارش و ترجمه کتاب بدون مشارکت اثر بخش در آن ها و ...
- استفاده از جایگاه (عضویت در شوراهای سردبیری، پژوهشی و ...)، رابطه سالاری و زد و بند در انتشارات؛
- انتشار نگاشته‌ها (نگارش کتاب، ترجمه) از سوی بنگاه‌های تجاری (گاه حتی در یک یا چند نسخه)؛
- استفاده از آثار دیگران (داخلی و خارجی) با تغییرات اندک یا حتی بدون تغییر؛
- و

ب- دستبرد محتوایی در پژوهش

- کژتابی در مسئله‌یابی طرح‌های پژوهشی یا رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها (مسئله نشان دادن، موضوعاتی که به راستی مسئله نیست)؛
- کژتابی‌های مفهومی و نظری در ادبیات نظری (که برای نمونه می‌توان به برش و چسباندن موضوعات گوناگون، گاه نامرتبط) در نگاشته‌های گوناگون، طرح‌های پژوهشی، نگارش کتاب و ...)
- انجام غیرروشمند برخی مطالعات یا استفاده از روش‌های نامناسب؛
- داده‌سازی، درکارهای کمی و حتی کیفی؛
- استناد نادرست یا یا نا به جا به منابع و مراجع (در درون متن‌ها و کتاب‌شناسی)؛
- ارزیابی سوگیرانه آثار دیگران (بر پایه ارتباطات).

پ- دستبرد آموزشی

- پذیرش آموزش فراتر از توان (گاه بیش از ۳۰ واحد در نیم‌سال، که می‌تواند، چندین برابر توان فرد و حتی فراتر از توان پیش‌بینی شده در آیین‌نامه‌ها یعنی موظف آموزشی باشد- که از استاندارد های جهانی فراتر به نظر می‌رسد)؛
- برخوردار نبودن از دانش و شایستگی در آموزش برخی دوره‌ها و درس‌ها (بی‌ارتباطی رشته، تخصص، تجربه و ...)
- برگزاری کلاس‌ها با چندین برابر گنجایش (برگزاری کلاس گاه با ۱۲۰ دانشجو، حتی در رشته‌های حساس پزشکی، و یا پر شمار بودن دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی)؛
- نقش نداشتن در طراحی برنامه‌های درسی و یا روزآمدسازی آن‌ها و گاه برگزاری کلاس بدون آشنایی با برنامه درسی یا محتوای آن؛
- برخوردار نبودن از درسنامه (سیلابس) در برگزاری کلاس؛
- ارزیابی نامناسب از پیشرفت دانشجویان و امتیازدهی سلیقه‌ای و یا برپایه ارتباطات و گاه حتی با رشوه‌خواری آشکار (دریافت هدیه و...) یا سوء استفاده‌های ناشایست دیگر (چه در ارزیابی از عملکردهای نیم ساله و یا حتی در ارزیابی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به گونه‌ای که گاه دیده می‌شود، به رساله‌ای امتیاز عالی یا بسیار خوب داده شده است که حتی در جلسه دفاع از نظر ارزیاب‌ها پذیرفتنی نبوده است)؛
- حضور نیافتن در کلاس یا به‌هنگام حضور نیافتن در آن‌ها؛
- فشرده‌سازی برگزاری کلاس‌ها در یک یا چند روز به جای یک نیم سال؛

- برگزاری کلاس‌ها بدون آمادگی پیشین برای ارائه درس؛
- و

ت- دستبرد خدماتی

- کوشش برای پیوستن به نهادهایی که گاه حتی زمان یا شایستگی شرکت در آن‌ها را ندارند؛
- شرکت فراتر از توان در پست‌های گوناگون تنها برای بدست آوردن امتیاز؛
- استفاده نا به جا و ناشایست از جایگاه‌های خود برای برخورداری از ارتباطات رانت‌جویانه؛
- و

آسیب‌شناسی دستبرد به علم

یادآوری می‌شود، اگر چه ریشه‌های ژرف بسیاری از این کژتابی‌ها، که گاه جنبه جهانی نیز یافته است، را می‌توان در شناخت‌شناسی رویکرد نولیبرال و سرمایه‌داری دانشگاهی پنداشت که در یکی از پراچای‌ترین مفهوم‌سازی از آن چنین یاد شده است:

اندیشه‌ای که در آن وجود و عملیات بازار به خودی خود و جدا از هرگونه ارتباط آن با تولید کالا و خدمات ارزشمند است [...] و همچنین در آن عملیات بازار یا ساختار بازارگونه، بسان اخلاقی پنداشته می‌شود که می‌تواند راهنمای تمامی کنش‌های انسانی و جایگزین تمامی باورهای اخلاقی پیشین شود (پل ترنر).

جدای از ریشه‌های شناخت‌شناختی و هستارشناختی وضعیت ناگوار کنونی نظام آموزش عالی ایران، سرخط مهم‌ترین آسیب‌های وضعیت کنونی که «دستبرد علمی» را به هنجاری پذیرفته شده بدل ساخته است را می‌توان در جدول ۱ چکیده ساخت.

از آن جا که به نظر می‌رسد بسیاری از این ناهنجاری‌ها ریشه در «نظام پاداش‌دهی» کمی گرایانه و دیوان‌سالارانه کنونی دارد، آسیب‌ها، در دو دسته آسیب‌های «نظری» و «معیارهای ارزیابی» که بنیان نظام پاداش‌دهی را تشکیل می‌دهد و با نگاهی گذرا می‌توان چنین برشمرد.

جدول ۱: آسیب‌های نظری و پاداش‌دهی گسترش دستبرد علم در ایران

آسیب‌های نظری	آسیب‌های نظام پاداش‌دهی
• چیرگی رویکرد نولیبرال، سرمایه‌داری دانشگاهی و دانشگاه • بنگاهی (کارآفرین) یا نسل سوم • نادیده انگاشتن ریشه‌های معرفت‌شناختی و هستارشناختی و فلسفه وجودی و کارویژه‌های دانشگاه و نهادهای آموزش عالی • نادیده انگاشتن مفهوم «استقلال دانشگاهی» و «آزادی علمی» و سکنداری دانشگاهی • چیرگی رویکرد کمی گرایانه و اثبات‌گرایانه در دانش‌افزایی • چیرگی دیوان‌سالاری اداری بر نظام علمی کشور • و ...	• نبود نظام ارزیابی و پاداش‌دهی بر پایه شایستگی‌های علمی • چیرگی کمیت‌گرایی در ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و دانشگاهیان ایران • نادیده انگاشتن، مفهوم «عضو هیأت علمی» از دیگر کارراهه‌هایی مانند «پژوهشگر» «سیاست‌پژوه» و ... • وجود آیین‌نامه‌ها و معیارهای ارزیابی کمی گرایانه • واگرایی میان اهداف و برنامه‌های نهادهای علمی و معیارهای ارزیابی عملکرد نهادها و اعضای آن‌ها • یکسان‌نگری و ارزیابی برپایه معیارهای نابجای همگون برای ارزیابی عملکرد اعضای علمی

• ناهمسویی معیارهای ارزیابی با چشمداشت‌ها از اعضای علمی • وجود نظام پاداش‌دهی که تشویق‌کننده وضعیت کنونی در زمینه دستبرد علم است. • وجود معیارهای ناهمسو با اهداف، کارویژه‌های دانشگاهی و وظایف اعضای علمی • نبود زیرساخت‌های حقوقی و قانونی پاسداری کننده از اخلاق دانشگاهی • نادیده انگاشتن بسیاری از ناهنجاری‌های کنونی از سوی جامع علمی و سیاستگذاران • نادیده انگاشتن کیفیت عملکرد دانشگاه‌ها و دانشگاهیان	
--	--

هر چند پیشنهاد راهکار، بدون پشتوانه نظری و راهبردهای بنیادی و بدون رایزنی و توافق دانشگاه و دانشگاهیان چندان کارآمد به نظر نمی‌رسد، اما در پاسخی شتابزده (به دلیل کمبود زمان) به درخواست انجام شده، پیشنهادهای زیر شاید بتواند راهگشا باشد.

پیشنهادهای کوتاه مدت

- خودداری از شتاب‌زدگی و سیاست‌زدگی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بدون پشتوانه نظری و علمی برای کاهش یا از میان برداشتن دستبرد رایج و هنجاری شده علم در کشور. از جمله در نشست‌هایی از این دست؛
- واگذاری مسئله‌شناسی و درک چرایی و چگونگی پدیدار شدن وضعیت ناخوشایند همگانی شدن (نسبی) سرقت علم در نهادهای دانشگاهی و آموزش عالی کشور به مطالعات ژرف‌تر آسیب‌شناختی با رویکرد علمی و مشارکت فراگیرتر و در بازه زمانی مناسب؛ و از سوی نهادها و افراد ذیصلاح با مشارکت وزارت؛
- توسعه دانش نظری پژوهشگران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران درباره ریشه‌های شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی دستبرد به علم و راه‌های رویارویی با آن با برگزاری کارگاه‌های دانش‌اندوزی و نشست‌های تخصصی - کارشناسی نظام‌مند و پیوسته؛
- گردآوری مطالعات و بهره‌گیری از مطالعات اندک انجام شده درباره آسیب‌شناسی و راه‌های رویارویی با دستبرد علم در کشور به ویژه «نظام پاداش‌دهی» و کارراهه اعضای هیأت علمی؛
- توسعه و توزیع دانش و آرموده‌های کامیاب برای آشنایی بیشتر دانشگاه‌ها و دانشگاهیان با بایسته‌های بازآرایی نظام پاداش‌دهی و کارراهه اعضای علمی به گونه‌ای که به کاهش دستبرد علم در سطح نهادی و فردی بیانجامد.
- به کار نگرفتن معیارهای کنونی کمی ارزیابی در عملکرد اعضای علمی که سبب افزایش و هنجاری سازی دستبرد علم شده است.

- تغییر در ساختارها و فرایندهای کنونی ارزیابی عملکرد اعضای علمی که تشویق‌کننده ادامه و وضع کنونی است (مؤسسه در تولیددانش در این زمینه و ترویج دانش آن در رده‌های گوناگون پژوهشگران، تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و ... آمادگی همکاری دارد).

پیشنهادهای میان و بلندمدت

با توجه به مطالعات اندک ایرانی با رویکرد علمی، و همچنین مطالعات نظری و زیست آزموده‌های جهانی در این زمینه، سرخط‌های راهبردی زیر پیشنهاد می‌شود.

- بازشناسی مفهوم و بایستگی‌های به رسمیت شناخت استقلال نهادهای دانشگاهی و گردن نهادن، دست کم به قوانین موجود کنونی؛
- تدوین و ترویج «راهنمای نظام ارزیابی، پاداش‌دهی و بازنگری در کارراهه اعضای علمی» از سوی وزارت و پیشنهاد بازآرایی ساختارها، فرایندها و معیارهای ارزیابی عملکرد هر دانشگاه و دانشگاهیان آن بر پایه اهداف کارویژه‌ها و برنامه‌های آن‌ها (بازآرایی آیین‌نامه ترفیع و ارتقا نهادهای آموزش عالی بر پایه راهنمای وزارت)؛
- دقت علمی در برگزیدن معیارهای ارزیابی عملکرد کیفی فعالیت‌های آموزشی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و جایگزینی آن به جای معیارهای کمی‌گرایانه کنونی؛
- دقت علمی در برگزیدن معیارهای ارزیابی عملکرد کیفی فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و جایگزینی آن به جای معیارهای کمی‌گرایانه کنونی؛
- برپا داشتن نظام ارزیابی درونی و بیرونی با رویکرد علمی و بایسته‌های آن؛
- تدوین زیرساخت‌های حقوقی و قانونی برای پشتیبانی از عملکرد کیفی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و برخورد قانونی و جدی همسو با هنجارهای دانشگاهی با زیرپا گذراندگان هنجارهای اخلاقی دانشگاهی؛
- بازنگری در نظام جذب و نگهداری اعضای علمی در چارچوب ادبیات علمی و هنجارهای پذیرفته شده؛
- بازنگری در نظام پذیرش دانشجو بر پای «دسترسی عادلانه همگانی» و تضمین کیفیت؛
- انجام تغییرات بایسته ساختاری در نظام ارزیابی و پاداش‌دهی؛
- انجام تغییرات بایسته معیارهای ارزیابی در نظام پاداش دهی بر پایه کیفیت عملکرد.
- بازنگری در مفهوم، اهداف و کارویژه‌های دانشگاه با رایزنی و توافق جمعی دانشگاه‌ها و دانشگاهیان، از یک سو، تصمیم‌گیران و مجریان اداری از سوی دیگر
- بازگشت وزارت به اهداف و کارویژه‌های حقوقی و قانونی خود در چارچوب قوانین مصوب، از جمله سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی حمایت و پشتیبانی در سطح ملی و خودداری از مداخله‌گری‌های خرد؛

^۵ - برای آگاهی بیشتر نک. جاودانی حمید (۱۳۹۵)، راهنمای بازآرایی نظام پاداش‌دهی و کارراهه اعضای علمی نهادهای تولید دانش ایرانی.